



واکاوی روزهای دشوار دولت در گفتگو با دکتر شکور اکبر نژاد

انتصاب مدیران کارآمد؛

مهمترین خواسته ما از روحانی است

انتخاب مدیران کارآمد مهمترین خواسته ما از روحانی است

رئیس شورای شهر تبریز می گوید اصلاح ساختار اجتماعی تنها با روی کار آمدن مدیران اندیشمند ممکن است و در این صورت دیگر نیازی نیست که هر روز تعداد دادگاه ها را افزایش دهیم و دولت برای پیاده ساختن اراده خود دستگاه های نظارتی عریض و طویل بوجود بیاورد

قریب به یک سال از آغاز دولت دوازدهم سپری شد. در این مدت کوتاه، اتفاقات ریز و درشت فراوانی افتاد که بخشی از بدنه حامیان دولت را ناامید ساخت. شما این روزها را چطور می بینید؟

ببینید ما همیشه باید این نکته را در نظر داشته باشیم که دولت تنها در ارتباط با بخشی از مسائل می تواند تاثیر داشته باشد و بخش بزرگتر مدیریت در عرصه های مختلف را دستگا ههای دیگر بر عهده دارند. این نکته ای است که شاید ذکر آن تکراری باشد ما حقیقتی است که نباید از آن چشم پوشید.

برداشت من این است که دولت تلاش دارد کارهای مثبت انجام دهد با این حال فاصله این عملکرد با نیازهای مردم بسیار زیاد است و چه بسا این فاصله از قبل هم بیشتر شده است. واقعیت این است که ما نتوانسته ایم خودمان را با روند توسعه دنیا هماهنگ کنیم. این در حالی است که ملت ما چیزی از دیگر ملل دنیا کم ندارد تا مجبور باشد با این حجم از مشکلات و تلخی ها دست به گریبان بماند.

دولت گرچه تلاش های گسترده ای بویژه در خصوص برجام انجام داد اما باید قبول کنیم تا زمانی که روابط بین الملل ما بویژه روابط با کشورهای منطقه مناسب سازی نشود در داخل هم لاجرم با مشکلات زیادی مواجه خواهیم بود.

در حوزه اقتصاد، دولت هنوز بیش از 80 درصد حجم اقتصاد کشور را در دست دارد و هنوز آماده نیست سهم خود را از این سبد کاهش داده و برای بخش خصوصی واقعی فضا ایجاد کند. در ابعاد داخلی، بی توجهی مغرط به نیروهای مردمی و شوراهای شهر به عنوان نمایندگان مستقیم مردم وجود دارد و این نیروهای مردمی همچنان در اداره شهرها کم تر دخالت داده می شوند. آقای رئیس جمهور باید توجه بیشتر به این سرمایه های اجتماعی را از مدیران سطوح مختلف بخواهد و این مدیران به پاسخگویی در برابر افکار عمومی ملزم شوند.

در حوزه اقوام و اقلیت ها، به عقیده بنده دولت اگر می خواست بواقع وحدت اقوام را افزایش دهد و احساس مشارکت ملی را تقویت کند، باید در انتخاب مسئولان عادلانه تر عمل می کرد. از طرفی به کار گرفتن نیروهای جوان و ایجاد فضای مدیریتی برای بانوان، موضوعی بود که خود رئیس جمهور وعده داده بود اما این وعده در عمل محقق نشد. توجه به حقوق اقوام و اقلیت ها نیز انتظارات را برآورده نکرد در این حوزه ما هر قدر مقاومت نشان دهیم اثر منفی می بینیم. باید همچنان که در قانون اساسی قید شده است فضا برای آموزش و تدریس زبان های قومیت های مختلف گشوده شود در عین حال نباید اجبار و اکراهی در این خصوص وجود داشته باشد.

آقای دکتر، وعده هایی را که به بخشی از آنها اشاره فرمودید، همه در شرایطی از سوی آقای روحانی مطرح شدند که ایشان به عنوان یک شخصیت ملی از بدو انقلاب در سطوح مختلف مدیریت کشور حضور داشتند و به تمام مناسبات قدرت آگاه بودند. شاید بتوان دلیل مهم باورپذیری وعده های ایشان را هم در همین موضوع جستجو کرد. حالا سوال اینجاست که آیا این وعده ها اساسا برای عمل نشدن داده شده بودند؟

در این خصوص می توان از جهات مختلف پاسخ داد. حتی تا حدودی قابل فهم است که انسان در جو احساسی و تبلیغاتی وعده هایی بدهد که بعدا نتواند آن ها را عملی کند اما این واقعا از شخصیتی در طراز رئیس جمهوری قابل قبول نیست که وعده هایش به فراموشی سپرده شود.

من شخصا نمی توانم قبول کنم که برای مثال وعده رئیس جمهور برای تکمیل پروژه های کوچک مانند جاده تبریز - سهند همچنان بلا تکلیف بماند. گرچه می دانیم که توان اقتصادی دولت بسیار پایین آمده است اما دولت باید به نحوی از بخش خصوصی بهره بگیرد که وابستگی به بودجه های دولتی مرتفع شود. اگر باور واقعی به بخش خصوصی شکل بگیرد، قطعاً بسیاری از همین مشکلات فعلی قابل حل است اما متأسفانه هنوز امنیت مورد انتظار برای سرمایه گذاری فراهم نیست. امنیت را نباید تنها در امنیت فیزیکی خلاصه دانست، همینکه سرمایه گذار در سیستمی وارد شود که در آن مجبور باشد برای اخذ مجوز وارد بده بستان های غیر قانونی شود، به این معنی است که امنیت سرمایه گذاری دچار خطر شده است. هنوز حتی کسانی که در قالب کارهای خیر، اقدام به مدرسه سازی و کتابخانه سازی می کنند، با مشکلات فراوان درگیر هستند. این دیوان سالاری، بروکراسی طویل و جریان سوء مالی به حدی است که سرمایه گذار به خود جرئت نمی دهد پا به میدان بگذارد. با این وضع دولت اگر تدبیر مفیدی به کار نگیرد، معلوم نیست به کجا می رویم!

طبیعتاً بخش اعظم این شرایط متوجه بدنه مدیران است. موضوعی که رئیس جمهور هم به کرات به آن اشاره و از رخوت مدیران انتقاد کرده است. بواقع چه کسی باید این اوضاع مدیریتی را سر و سامان دهد؟

این واقعا سوال بجایی است. الان مردم از یک سری مشکلات شاکی هستند، و آن را به ما انتقال می دهند. ما هم به عنوان عضو شورای شهر این مسائل را با رسانه ها و مدیران اجرایی در میان می گذاریم. قوه قضائیه هم باز این صحبت ها را تایید و تکرار می کند! اما این که اصلاح امور واقعا به عهده چه کسی است. در این میان بی پاسخ مانده است. اساساً اصلاح ساختار اجتماعی تنها با روی کار آمدن مدیران اندیشمند ممکن است. در این صورت دیگر نیازی نیست که هر روز تعداد دادگاه ها را افزایش دهیم و دولت برای پیاده ساختن اراده خود دستگاه های نظارتی عریض و طویل بوجود بیاورد. به این ترتیب روند کارها خود بخود اصلاح می شود. انتخاب مدیران کارآمد و صاحب فکر مهمترین انتظار ما از دولت است و به نظر من این انتظار نامعقولی نیست!

از آنجایی که بخش مهمی از برداشت ها نسبت به کارکرد دولت، از رهگذر عملکرد استانداران شکل می گیرد، طبیعتاً بررسی عملکرد استانداران آذربایجان شرقی نتایج مفیدی به دست ما خواهد داد.

ببینید، خلاصه کلام این است که تازمانی نیازهای اولیه مردم تامین نشود نمی توان عملکرد مدیران را خیلی مثبت ارزیابی کرد. نیازهای اولیه هم عبارتند از کار و اشتغال و امید به آینده. این «امیدواری» به حدی مهم است که باید اذعان داشت بدون آن امکان ندارد جامعه ای به سمت توسعه حرکت کند.

ما هنوز در خصوص فضای کسب و کار که به طور مستقیم در زندگی مردم اثر خواهد گذاشت، معجزه خاصی نمی بینیم. مدیران ما باید با آمار و اعداد و ارقام صحبت کنند و بگویند کارخانه هایمان با چند درصد ظرفیت کار می کنند. اگر کارخانه ها با درصد بالایی کار می کنند یعنی موفق بوده ایم، اگر درصد بیکاری پایین باشد یعنی خوب عمل کرده ایم، اما آمارهای کیلویی و ساختگی ما را از مسیر دور می کند!

من به رغم اینکه شرایط موجود را من چندان مثبت ارزیابی نمی کنم، در عین حال نمی خواهم بگویم این دوستان نتوانسته اند خوب کار کنند. واقعیت این است که شرایط کشور ما شرایط سختی است. امروز انتظاراتی را که از برجام داشتیم به علل مختلف برآورده نشده است و همکاری نامناسب برخی دستگاه ها با دولت و تشکیلات روابط خارجی نیز دولت های مختلف را بر علیه ما بسیج کرد.

بنده از جناب آقای جبارزاده استاندار قبلی و جناب آقای خدابخش استاندار فعلی به خاطر تلاش های شبانه روزی شان تشکر می کنم اما واقعیت این است که ما انتظار داریم تلاش های اثر بخش را از این مدیران شاهد باشیم. اثر بخشی هم زمانی محقق می شود که امور مردم را به دست خود آنها بسپاریم. این که عده ای از مدیران ما شبانه روز در حال کار هستند اما این تلاشها خروجی مناسبی ندارد، به این دلیل است که تلاش ها بیش از آنکه «سیستمی» باشند، «فردی» هستند و فقدان «سیستم» عامل بسیاری از عقب ماندگی های ماست.

در کشور ما متأسفانه وقتی مدیری به مسئولیت می رسد، ده ها مسئولیت دیگر اعم از قانونی و غیر قانونی نیز به وی سپرده می شود. در حالی که جوانان پر انرژی با تحصیلات عالی مرتبط بیکار مانده اند. همین روش، یکی از عواملی است که باعث می شود کارهای ما بی اثر باشد.

به عنوان سوال آخر و جمع بندی این گفتگو می خواهم بپرسم که با همه این اوصاف آیا همچنان به روحانی امیدوار باشیم؟

البته همه ما باید به اراده خداوند متعال و توانمندی های خودمان امیدوار باشیم. (خنده). اما روحانی هم یکی از پتانسیل ها و سرمایه های کشور است که باید او را کمک کنیم. باید سختی های راه او را درک کنیم. نباید فکر کنیم که رئیس جمهور در این کشور قدرت مطلق است و هر کاری را می تواند بکند اما نمی کند!

ایشان حتما محدودیت های فراوانی دارند و می بینیم که حتی درباره برخی صحبت های منطقی و ساده شان، موضع گیری می شود.

من می خواهم به همه مجموعه های مدیریتی کشور یادآوری کنم که با خنثی سازی تلاش های همدیگر راه به جایی نخواهیم برد. متفاوت اندیشیدن و نقد و پرسشگری عامل پیشرفت است اما خنثی سازی تلاش ها خطایی نابخشودنی است. به همین دلیل است که امروز بسیاری از کسانی که سرمایه فکری دارند و می توانند گره از کار ما باز کنند، از این کشور کوچ می کنند.

در مجموع باید بگویم ما همچنان به روحانی امید داریم، اما بیش از آن به توانمندی های جوانانمان امید داریم. لذا بزرگان کشور و قوای سه گانه و همه مسئولان باید فضا را برای این جوانان باز کنند. بسیاری از شیوه های گذشته امروز دیگر کارایی ندارد و نباید بیش از حد اصرار به تکرار آنها داشته باشیم.